

روند و الگوهای مهاجرت در استان‌های مرزی کشور

* قربان حسینی
** سعید خانی

E-mail: ghorban.hosseni@gmail.com

E-mail: s.khani@uok.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۶

چکیده

با توجه به سکونت نیمی از جمعیت کشور در استان‌های مرزی و اهمیتی که از لحاظ امنیتی برای کشور دارند، شناخت فرایند مهاجرت در این استان‌ها برای سیاست‌گذاران جمعیتی و اجتماعی - اقتصادی اهمیت دارد. مهاجرت به سبب پیامدهای زبانی، اجتماعی، فرهنگی و روانی‌اش، هویت و ارزش‌های مهاجر را دستخوش تغییر می‌سازد. هدف این مقاله، بررسی روند و الگوهای مهاجرت در استان‌های مرزی کشور طی دو دهه‌ی اخیر است. روش تحقیق، توصیفی و مبتنی بر تحلیل آماری داده‌های سرشماری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جریان مهاجرت در استان‌های مرزی روند کاهش داشته و الگوی غالب، افزایش مهاجرت‌های برون‌استانی است. همچنین، روندهای مهاجرت حاکی است که استان‌های خوزستان، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان از قطب‌های اصلی مهاجرفرست، و بوشهر، گیلان، مازندران و هرمزگان از قطب‌های اصلی مهاجرپذیر هستند. به‌طور کلی، با توجه به حجم انبوه جمعیت در سن کار، سطح پایین توسعه، میزان بالای بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی، مهاجرت به‌ویژه از نوع برون‌استانی افزایش یافته است.

کلید واژه‌ها: الگوهای مهاجرت، استان‌های مرزی، میزان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی، خالص مهاجرتی.

* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، پژوهشگر مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی

جمعیت کشور، نویسنده‌ی مسؤول

** استادیار جمعیت‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

مقدمه و طرح مسأله

مهاجرت، سومین عامل اصلی در مطالعه تغییرات جمعیتی و دو عامل دیگر، ولادت و مرگ هستند (فروتن، ۱۳۹۱: ۷۴). این شاخص‌ها علاوه بر پویایی باعث تغییر و تحولاتی در ابعاد ایستای جمعیتی می‌شوند. این سه پدیده، حرکات جمعیتی (شامل حرکات طبیعی، ولادت و مرگ و میر، و حرکات مکانی، مهاجرت‌ها) را تشکیل می‌دهند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۷۵). مهاجرت به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه‌مدتی نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل یا عدم تعادل‌هایی را در جمعیت‌های تحت تأثیر خود به وجود بیاورد (زنجان، ۱۳۸۰: ۱). این پدیده به شدت تحت تأثیر اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد. رونق اقتصادی فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد و مراکز عرضه کار و فعالیت را به کانون‌های عمده‌ی جذب جمعیت بدل می‌کند و برعکس، رکود اقتصادی، عدم تحرک و پویایی جمعیت را به دنبال دارد و در صورتی که به مرحله بحرانی برسد مسیرهای مهاجرتی را تغییر می‌دهد (زنجان، ۱۳۷۱: ۲۱۴).

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل سکونت به مقصد یا محل ورود است (امانی و همکاران، ۱۳۵۴: ۷۱). مهاجرت و بازتوزیع جمعیت در داخل کشور از اساسی‌ترین فرایندهایی است که هم از نظر آکادمیک و هم در سیاستگذاری مورد توجه است. مهاجرت به‌عنوان یک واقعه تأثیرگذار بر رشد و تغییر جمعیت، مورد توجه قرار می‌گیرد. مهاجرت هم از میزان رشد جمعیت تأثیر می‌پذیرد و هم بر روی آن اثر می‌گذارد (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۴۷). بنابراین، امروزه مهاجرت نقش به‌مراتب مهم‌تری در رشد جمعیت و نیروی کار یک کشور ایفا می‌کند (فروتن، ۱۳۹۱: ۷۴). مهاجرت یک فرآیند اجتماعی است و پیامدهای زبانی، اجتماعی، فرهنگی و روانی گوناگونی دارد که هویت و ارزش‌های مهاجر را دستخوش تغییر می‌سازد. مهاجرت سبب ایجاد تماس‌ها، برخوردها، ارتباطات گوناگون و... در جامعه میزبان می‌شود که گسترش این عوامل موجب به‌وجود آمدن پدیده دو زبانی و چند زبانی در سطح فردی و اجتماعی می‌شود چرا که مهاجر ناگزیر، به انطباق زبانی و فرهنگی با جامعه میزبان دست می‌زند و تلاش می‌کند به‌گونه‌ای کم و بیش عادی در جامعه جدید جایگاهی پیدا کند (ر.ک: مدرسی، ۱۳۹۴). مهاجرت فرآیندی پیچیده و وابسته به عوامل متعدد فرهنگی، شغلی، اقتصادی، آموزشی، علمی، سیاسی و حتی ایدئولوژیکی است و

این عوامل دست به دست هم می‌دهند و سبب می‌شوند تا فرد از تاریخ و جغرافیای خاصی که تمامی هویت فرهنگی و اجتماعی او را تشکیل می‌دهد، جدا شود و به جایی دیگر پناه ببرد (فلاحی، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۶). مهاجرت را می‌توان پدیده پیچیده‌ای دانست که با زمان، فرهنگ و شرایط اقتصادی در ارتباط است. مهاجرت به‌عنوان نوعی تطبیق و سازگاری اجتماعی در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی ناشی از تغییرات جمعیتی، در سطح محلی، ملی و یا بین‌المللی پدید می‌آید (شیخی، ۱۳۷۹: ۱۵۹). بنابراین، مطالعه مهاجرت‌های داخلی در جمعیت‌شناسی در وهله نخست به‌منظور شناخت تعداد مهاجران و سپس به‌دست آوردن آگاهی‌های لازم درباره ویژگی‌های جمعیتی، فرهنگی و اقتصادی آنان صورت می‌گیرد و هدف از آن تعیین اثر مهاجرت در تغییر و تحول جمعیت است (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۱).

براساس نتایج سرشماری، طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ حدود ۱۲ میلیون نفر مهاجر در کشور جابجا شده‌اند که تقریباً نیمی از آن رقم (۵ میلیون و ۴۳۱ هزار نفر) مربوط به استان‌های مرزی است. در دوره ۹۰-۱۳۸۵ این تعداد به حدود ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر کاهش یافته است و رقم مربوط به استان‌های مرزی ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر بوده است، و در دوره ۹۵-۱۳۹۰ رقم مذکور به ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر کاهش یافته که ۱ میلیون و ۸۴۵ هزار نفر آن مربوط به استان‌های مرزی است. با توجه به واقعیت‌های آماری فوق، در دوره‌های ۹۵-۱۳۷۵ میزان مهاجرت در استان‌های مرزی و حتی در کل کشور بالاست و سبب شد که این دوره‌های زمانی برای مطالعه حاضر انتخاب شوند. به‌عبارت دیگر، مهاجرت و جابجایی زیاد جمعیت در این استان‌ها، دال بر اهمیت مسأله است و لازم است برای بررسی آن، به نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ پرداخته شود. چنانچه گفته شد، هدف مقاله حاضر، مطالعه تحولات روند و الگوهای مهاجرت در استان‌های مرزی با استفاده از تحلیل داده‌های سرشماری سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ است. دلایل اهمیت مطالعه این موضوع را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد: الف) اهمیتی که از نظر امنیتی برای مرزهای کشور دارند؛ ب) حدود نیمی از جمعیت کشور در این استان‌ها ساکن شده‌اند؛ ج) نیمی از مهاجران کشور مربوط به این استان‌ها هستند؛ د) نرخ بالای بیکاری سبب شتاب گرفتن مهاجرت در این استان‌ها شده است؛ ه) درصد زیادی از جمعیت این استان‌ها از لحاظ ساختار سنی جوان، باسواد و در سن فعالیت قرار دارند. بنابراین، اهمیت موضوع محققین را بر آن داشت که به مطالعه تحولات روند و الگوهای مهاجرت در استان‌های مرزی کشور بپردازند.

سؤال‌های تحقیق

در مقاله حاضر کوشش می‌شود به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- (۱) وضعیت جمعیت در گروه‌های مختلف سنی؛ (۲) نسبت مهاجران به جمعیت میانه برای استان‌های مرزی کشور؛ (۳) تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده از استان‌های مرزی؛ (۴) میزان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی به تفکیک استان، خالص و میزان خالص مهاجرت؛ و (۵) درصد مهاجرین (داخل‌استانی و بین‌استانی) طی دوره‌های ۹۵-۱۳۷۵ برای استان‌های مرزی و رتبه‌بندی این استان‌ها در دوره ۹۵-۱۳۹۰ به چه صورتی است؟

پیشینه تحقیق

صفائی‌پور (۱۳۸۸)، در مطالعه خود به این نتایج رسید که استان خوزستان در دهه‌های گذشته با نقل و انتقالات شدید جمعیتی روبرو شده و روند مهاجرت این استان جایگاه ویژه‌ای یافته است. این استان تا دهه ۵۵-۱۳۴۵ مهاجرپذیر بوده ولی در دهه ۶۵-۱۳۵۵ روند معکوس شده و شدیداً مهاجرفرست شده است. در دهه ۷۵-۱۳۶۵ باز مهاجرپذیر شده، و در دهه ۸۵-۱۳۷۵ استان مهاجرپذیر و هم مهاجرفرست شناخته شد.

بیک‌محمدی و حاتمی (۱۳۸۹) در مطالعه خود اظهار کرده‌اند که استان آذربایجان شرقی در ۵۰ سال گذشته مهاجرفرست بوده است. نتایج مطالعه آنها نشان داد که بالا بودن درصد جمعیت روستایی، پایین بودن درآمد کشاورزی و کاهش بهره‌وری، وجود اراضی کشاورزی دیمی، تشدید خشکسالی‌های گذشته، ضعف بنیادهای صنعتی و خدماتی در مراکز شهری و کمبود فرصت‌های شغلی در نواحی روستایی نقش مؤثری در مهاجرفرستی شدید منطقه داشته است.

مشفق و حسینی (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای به بررسی و تحلیل تحولات جمعیت‌شناختی مناطق مرزی در مقایسه با مناطق غیرمرزی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که به‌طور کلی جمعیت در محیط ملی ایران، پیرامون‌گریز (مرز‌گریز) و بسیار تمرکزگراست، این همان مسأله‌ای است که از نظر جمعیت‌شناسی سیاسی زمینه‌ساز مسائل و چالش‌های امنیتی می‌شود. پیرامون‌گریزی جمعیت در ایران موجب شده است که تراکم نسبی جمعیت در برخی از مناطق مرزی به شدت کاهش یابد و این مناطق با مسأله کم‌جمعیتی مواجه شوند. کم‌جمعیتی در مناطق مرزی نه تنها امنیت مرزی را کاهش داده، بلکه قدرت بازدارندگی نظامی در برخی از مرزهای کشور را به شدت کاهش داده است. محققان برای افزایش امنیت ملی و امنیت مرزی، سیاست‌های بازتوزیع جمعیت

به منظور بهینه‌سازی تراکم و ترکیب جمعیت در مناطق مرزی را پیشنهاد کرده‌اند که مستلزم سیاست‌های پیشران از جمله سیاست تمرکززدایی صنعتی، آموزشی و شغلی است. با توجه به موضوع پژوهش حاضر، تحقیقات اندکی در مورد استان‌های مرزی انجام گرفته است و در تحقیقات انجام گرفته نیز خلاءهای ذیل مشاهده گردید: (۱) با توجه به وضعیت بالای مهاجرت در استان‌های مرزی طی دهه‌های اخیر، تحقیق خاصی در این استان‌ها انجام نشده است، (۲) تحقیقات پیشین فقط بر روی استان خاصی متمرکز شده‌اند که در این تحقیق سعی شده است به همه استان‌های مرزی کشور نیم‌نگاهی بشود، و (۳) با وجود آن‌که وضعیت مهاجرت در بعضی از استان‌های مرزی مورد بررسی قرار گرفته اما به صورت تخصصی و فنی به موضوع پرداخته نشده و در این مطالعه سعی بر آن است که این خلاء نیز برطرف شود.

چارچوب نظری تحقیق

رویکرد اقتصادی را که رویکرد غالب برای تبیین مهاجرت است اغلب «تئوری‌های جاذبه - دافعه» می‌نامند. زیرا صاحب‌نظران در این رویکرد، دلایل مهاجرتی را ترکیبی از عوامل دافعه (شامل رشد جمعیت، سطح پایین استاندارد زندگی و مهم‌تر از همه فقدان فرصت‌های اقتصادی) و عوامل جاذبه (شامل تقاضا برای نیروی کار، دسترسی به زمین و فرصت‌های اقتصادی خوب) می‌دانند. این رویکرد نظری در ابتدا در دیدگاه راونشتاین، در قالب قوانین مهاجرت فرمول‌بندی و مطرح شد (کاستلز و میلر، ۲۰۰۳: ۲۲). قوانین راونشتاین از اولین تعاریفی است که مهاجران را افرادی می‌داند که به‌طور عقلانی به دنبال دستیابی به زندگی اقتصادی بهتر هستند. در این قوانین، مؤلفه‌های فاصله، عوامل جاذبه و دافعه، جریان متقابل، ویژگی‌های مکانی و فضایی محل سکونت از عوامل مهم در تبیین مهاجرت تلقی می‌شوند. راونشتاین با استفاده از آمارهای سرشماری‌های نیمه دوم قرن نوزدهم بریتانیا استدلال کرد که مهاجرت اتفاقی نیست بلکه قوانین عامی بر آن حاکم است. قوانین او هنوز هم معتبر و پایه‌ای برای بسیاری از نظریات مهاجرت در عصر ما است.

قوانین مهاجرت راونشتاین در هفت فرض اساسی ذیل خلاصه می‌گردد: (۱) مهاجرت و فاصله: نرخ مهاجرت بین دو نقطه ارتباط معکوس با فاصله بین این دو نقطه دارد. مهاجرینی که مسافت طولانی را طی می‌کنند، تمایل دارند که ترجیحاً به یکی از مراکز بزرگ تجارت و صنعت بروند؛ (۲) مهاجرت مرحله‌ای: به‌طور طبیعی در جریان

مهاجرت افراد محلی مایلند که ابتدا به طرف شهرهای نزدیک و سرانجام به سوی شهرهایی که به سرعت رشد می‌کنند مهاجرت کنند؛ (۳) جریان و ضد جریان مهاجرت: هر جریان عمده مهاجرت یک ضد جریان جبران کننده به وجود می‌آورد. با این که مهاجرت روستا به شهر جریان کلی مسلط را نشان می‌دهد، با این حال همیشه یک جریان معکوس مهاجرت از شهر به روستا نیز صورت می‌گیرد؛ (۴) تفاوت شهر و روستا در میل به مهاجرت: افراد بومی شهرها کمتر از آنهایی که در قسمت روستایی کشور هستند مهاجرت می‌کنند، از این رو در جریان‌های مهاجرت داخلی، نرخ خالص مهاجرت از روستا به شهر بیشتر است؛ (۵) تکنولوژی ارتباطات و مهاجرت: جریان‌های مهاجرت در طول زمان در نتیجه افزایش جریان امکانات جابجایی و توسعه صنعت و تجارت ماهیتاً رو به افزایش است؛ (۶) فزونی شمار زنان در مهاجرت با مسافت کوتاه: به نظر می‌رسد در مهاجرت‌های مسافت کوتاه، زنان برتری داشته باشند؛ (۷) آخرین و مهم‌ترین اصل، تسلط انگیزه اقتصادی است. قوانین بد و ظالمانه، مالیات‌های سنگین، آب‌وهوای نامناسب، محیط اجتماعی نامطبوع و حتی اجبار (تجارت برده، حمل و نقل) همگی در ایجاد جریان‌های مهاجرت مؤثر بوده و هنوز هم مؤثر است ولی جریان‌هایی که این عوامل به وجود می‌آورند هیچ یک از نظر حجم، قابل مقایسه با جریانی نیست که از میل باطنی اکثر انسان‌ها به بهبود جنبه‌های مادی زندگی سرچشمه می‌گیرد. به طور خلاصه، انگیزه اقتصادی در مجموعه عوامل مؤثر در تصمیم به مهاجرت از همه قوی‌تر است (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۰).

بیلزبارو (۱۹۹۶: ۱۶۲-۱۶۰) مهاجرت را انتخاب فردی می‌داند و معتقد است افراد زمانی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که انتظارات جهت کسب منافع اقتصادی بر هزینه‌های آنان پیشی گیرد. انگیزه مهاجرت ممکن است کسب منافع بیشتر باشد. در این بینش ویژگی‌های فردی چون سن، جنس، جنبه‌های مادی، سطح آموزش و نوع شغل می‌توانند در ایجاد انگیزه برای مهاجرت مؤثر واقع شوند. از دیدگاه چارنی (۱۹۹۳: ۳۲۳)، مهاجرت پاسخی به سطح متفاوت رفاه در مناطق مختلف است. هرزوغ معتقد است عوامل متعددی در ایجاد انگیزه برای مهاجرت مؤثر هستند اما دو عامل کلیدی درآمد و اشتغال، بیش از دیگر عوامل بر روند مهاجرت‌های روستایی تأثیرگذارند. فرض می‌شود که افراد به علت کاهش درآمد و یافتن فرصت، مهاجرت می‌کنند. این شرایط به خصوص برای افراد بیکار بیشتر معنا می‌یابد. افراد بیکار از طریق جست‌وجوی کار سعی در به دست آوردن شغل مناسب دارند (به نقل از طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۹-۵).

یکی از نظریه‌هایی که به تحلیل و تبیین گذار مهاجرت‌های داخلی در مسیر انتقال جمعیتی پرداخته است نظریه انتقال تحرکی است که در سال ۱۹۷۱ زلینسکی مطرح کرد. او مفهوم تحرک را در معنای عامش یعنی تحرک فیزیکی - مکانی و تحرک اجتماعی در نظر گرفت. براساس نظریه او هر جامعه‌ای که در مسیر مدرنیزاسیون قرار می‌گیرد انتقال تحرک از وضعیتی که در آن جابجایی و تحرک فیزیکی و اجتماعی کاملاً محدود و کم است به طرف حجم بالاتر تحرکات و جابجایی‌های مکانی - اجتماعی پیش می‌رود. زلینسکی پنج نوع الگوی جابجایی در طول مراحل انتقال جمعیتی را تشخیص داده که اهمیت و شدت آنها در طول زمان متفاوت است. این مراحل با مراحل انتقال جمعیتی به‌طور قابل ملاحظه‌ای وابستگی و ارتباط دارند. در مرحله نخست، مهاجرت‌های روستا - شهری کم، و در مسافت‌های کوتاه صورت می‌گیرد، در این مرحله عواملی چون مالکیت زمین، تعاملات اجتماعی، تجارت، جنگ و مقررات مذهبی تعیین‌کننده‌ی مهاجرت هستند. در مرحله دوم، گذار مهاجرت‌های روستا - شهری با حرکت‌های دسته‌جمعی از مناطق روستایی به مناطق شهری همراه است که تا اواسط مرحله سوم ادامه خواهد داشت، سپس با تعدیل جمعیت روستایی کاهش می‌یابد. در مرحله چهارم، این‌گونه مهاجرت‌ها به تدریج با محور زمان همسو می‌شوند. و در مرحله پنجم، مهاجرت‌های روستایی به شدت کم می‌شود و تقریباً اکثر مهاجرت‌های داخلی شکل درون‌شهری و بین‌شهری می‌یابد (زلینسکی، ۱۹۷۱: ۲۲۶-۲۱۹).

اورت لی (۱۹۶۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نظریه‌ای درباره مهاجرت» به بازنویسی قوانین راونشتاین پرداخته و در این ارتباط، چهار مجموعه از عوامل تعیین‌کننده‌ی تصمیم به مهاجرت را به صورت عوامل مثبت (جاذبه) و منفی (دافعه) که با مبدأ مرتبط هستند، عوامل مثبت (جاذبه) و منفی (دافعه) که به مقصد ربط دارند، عوامل واسط و مداخله‌گر که بین مبدأ و مقصد وجود دارند و ویژگی‌های شخصی افراد، از هم متمایز می‌کند. تودارو (۱۹۷۶) نیز به‌عنوان یکی دیگر از صاحب‌نظران اقتصادی مهاجرت، بر این باور است که مهاجران براساس به حداکثر رساندن منافع مورد انتظار دست به مهاجرت می‌زنند و این منافع مورد انتظار شامل تفاوت در درآمدهای واقعی، دستیابی به فرصت‌های شغلی و احتمال به دست آوردن شغل است (تودارو، ۱۹۷۶: ۲۹-۲۸). بنابراین در رویکرد اقتصادی، مهاجرت‌ها و جابجایی‌های جمعیتی با نابرابری درآمد، انتظارات شغلی، دافعه‌ها و جاذبه‌های اقتصادی تبیین می‌شود.

به‌طور خلاصه، چارچوب نظری مورد استفاده در این مطالعه را ترکیبی از نظریات



مختلف تشکیل می‌دهد؛ نظریه‌هایی که در آنها تأکید بر این است که مهاجرت، در مسافت‌های کوتاه صورت می‌گیرد و عواملی چون مالکیت زمین، تعاملات اجتماعی، تجارت، جنگ و مقررات مذهبی تعیین‌کننده‌ی مهاجرت هستند. هم‌چنین، مهاجرت‌های روستایی را به شدت رو به کاهش می‌دانند و مدعی‌اند که تقریباً اکثر مهاجرت‌های داخلی شکل درون‌شهری و بین‌شهری می‌یابد. به‌علاوه، نظریاتی که سن مهاجران و عوامل دافعه (شامل رشد جمعیت، سطح پایین استاندارد زندگی و مهم‌تر از همه فقدان فرصت‌های اقتصادی) را مورد مطالعه قرار داده‌اند، رهنمون‌بخش این تحقیق هستند.

تعریف مفاهیم

در این مقاله از شاخص‌های نسبت مهاجر به جمعیت، میزان مهاجرفرستی، میزان مهاجرپذیری، خالص مهاجرت، و میزان خالص مهاجرت استفاده شده است.

نسبت مهاجر به جمعیت: برای محاسبه این شاخص ابتدا تعداد مهاجران را به کل جمعیت میان‌دوره (جمعیت سرشماری قبلی + جمعیت سرشماری بعدی تقسیم بر ۲) تقسیم و در عدد ۱۰۰۰ ضرب می‌کنیم.

$$\text{نسبت مهاجر به جمعیت} = \frac{\text{کل مهاجران}}{\text{جمعیت میان‌دوره}} \times 1000$$

میزان مهاجرفرستی: عبارت است از نسبت همه افرادی که منطقه‌ای خاص را طی دوره زمانی مشخص ترک می‌کنند به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه همان دوره زمانی، ضرب در هزار (زنجانی، ۱۳۷۱: ۲۱۳).

$$\text{میزان مهاجرفرستی} = \frac{\text{تعداد کل مهاجران خارج شده}}{\text{جمعیت میان‌دوره}} \times 1000$$

که اگر حاصل آن را بر طول دوره سرشماری (۵ سال) تقسیم کنیم میزان مهاجرفرستی سالانه به دست می‌آید.

میزان مهاجرپذیری: عبارت است از نسبت افرادی که طی دوره زمانی مشخص به منطقه‌ای خاص وارد می‌شوند به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه همان دوره زمانی ضرب در هزار (زنجانی، ۱۳۷۱: ۲۱۴).

$$\text{میزان مهاجرپذیری} = \frac{\text{تعداد کل مهاجران وارد شده}}{\text{جمعیت میان‌دوره}} \times 1000$$

که اگر حاصل آن را بر طول دوره سرشماری (۵ سال) تقسیم کنیم میزان مهاجرپذیری سالانه به دست می‌آید.

خالص مهاجرت: عبارت است از حاصل تفریق تعداد افرادی که طی دوره زمانی معین وارد منطقه مشخصی می‌شوند (وارد شدگان: I) از تعداد افرادی که منطقه مذکور را طی همان دوره زمانی ترک می‌کنند (خارج شدگان: E). اگر این دو رقم با هم برابر باشند یعنی $(I=E)$ ، خالص مهاجرت برابر با صفر می‌شود. اگر تعداد مهاجران وارد شده بیش از مهاجران خارج شده باشد یعنی $(I>E)$ خالص مهاجرت مثبت، و چنانچه تعداد مهاجران خارج شده بیش از مهاجران وارد شده باشد $(I<E)$ ، خالص مهاجرت منفی خواهد بود. اگر حاصل خالص مهاجرت مثبت باشد بیانگر مهاجرپذیر بودن منطقه و اگر منفی باشد نشان‌دهنده مهاجرفرست بودن منطقه است (زنجانی، ۱۳۷۱: ۲۱۴).

مهاجرت به خارج - مهاجرت به داخل = خالص مهاجرت

میزان خالص مهاجرت: عبارت است از تقسیم خالص مهاجرت بر جمعیت میان‌دوره ضرب در ۱۰۰۰ اگر $(I=E)$ باشد، میزان خالص مهاجرت برابر با صفر می‌شود. اگر $(I>E)$ باشد این میزان مثبت، و چنانچه $(I<E)$ باشد این میزان منفی خواهد بود. اگر حاصل میزان خالص مهاجرت مثبت باشد بیانگر مهاجرپذیر بودن منطقه و اگر منفی باشد نشان‌دهنده مهاجرفرست بودن منطقه است.

$$\text{میزان خالص مهاجرت} = \frac{\text{مهاجران خارج شده} - \text{مهاجران وارد شده}}{\text{جمعیت میان‌دوره}} \times 1000$$

که اگر حاصل آن را بر طول دوره سرشماری (۵ سال) تقسیم کنیم میزان خالص مهاجرت سالانه به دست می‌آید (زنجانی، ۱۳۷۱: ۲۱۴).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روشی، توصیفی - تحلیلی، و از نظر داده‌ای اسنادی از نوع تحلیل ثانویه است. اطلاعات و داده‌های تحقیق از سرشماری اخذ شده است زیرا سرشماری منبع اصلی اطلاعات مهاجرت است. در این تحقیق سطح تحلیل استان است و بنابراین، جامعه آماری شامل همه استان‌های مرزی کشور طی سرشماری‌های سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ است. تحلیل اطلاعات نیز به وسیله شاخص‌های مهاجرت انجام گرفته است.

یافته‌های تحقیق

وضعیت جمعیتی استان‌های مرزی

جدول ۱، درصد جمعیت استان‌های مرزی کشور بر حسب گروه‌های عمده سنی را در دو سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. براساس نتایج، در سال ۱۳۹۰ در همهی

استان‌های مرزی به جز سیستان و بلوچستان بین ۶۰ تا ۷۰ درصد جمعیت در سن کار (۶۰-۱۵ سالگی) قرار داشته‌اند. بیشترین درصد مربوط به استان‌های مازندران، کرمانشاه، ایلام، آذربایجان غربی، بوشهر و گیلان، و کمترین درصد متعلق به استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و هرمزگان بوده است. در سرشماری ۱۳۹۵ همانند سرشماری قبلی، در همه استان‌های مرزی بجز سیستان و بلوچستان (۵۷/۶ درصد)، بین ۶۰ تا ۷۰ درصد جمعیت در سن کار قرار داشته‌اند. بیشترین درصد از آن استان‌های گیلان، ایلام، کرمانشاه، اردبیل، کردستان و بوشهر، و کمترین درصد مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، مازندران و خراسان جنوبی است. بنابراین، با توجه به قرار گرفتن بیش از دو سوم جمعیت استان‌های مرزی در سن کار (۶۰-۱۵ سالگی)، می‌توان انتظار بالا بودن تعداد مهاجران در استان‌های مرزی را داشت.

جدول شماره‌ی ۱: تعداد کل جمعیت استان و درصد جمعیت بر حسب گروه‌های عمده سنی در استان‌های مرزی کشور، سال‌های ۹۵-۱۳۹۰

استان	سال ۱۳۹۰					سال ۱۳۹۵				
	جمعیت (نفر)	۱۰-۱۴	۱۵-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵+	جمعیت (نفر)	۱۰-۱۴	۱۵-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵+
آذربایجان شرقی	۳۷۲۴۶۲۰	۲۲/۲	۲۹/۶	۳۸/۴	۹/۸	۳۹۰۹۶۵۲	۲۲/۹	۲۳/۵	۴۲/۹	۱۰/۷
آذربایجان غربی	۳۰۸۰۵۷۶	۲۶/۵	۳۳/۰	۳۷/۱	۱۳/۴	۳۲۶۵۲۱۹	۲۵/۷	۲۶/۲	۳۹/۶	۸/۵
اردبیل	۱۲۴۸۴۸۸	۲۳/۲	۳۲/۳	۳۵/۹	۸/۶	۱۲۷۰۴۲۰	۲۳/۶	۲۵/۸	۴۱/۲	۹/۴
ایلام	۵۵۷۵۹۹	۲۲/۴	۳۵/۳	۳۵/۰	۷/۳	۵۸۰۱۵۸	۲۳/۲	۲۷/۲	۴۱/۱	۸/۵
بوشهر	۱۰۳۲۹۴۹	۲۴/۱	۳۴/۱	۳۵/۸	۶/۰	۱۱۶۳۴۰۰	۲۶/۳	۲۶/۶	۴۰/۲	۶/۹
خراسان جنوبی	۶۶۲۵۳۴	۲۷/۶	۳۰/۹	۳۱/۷	۹/۸	۷۶۸۸۹۸	۲۸/۳	۲۶/۳	۳۵/۶	۹/۸
خراسان رضوی	۵۹۹۴۴۰۲	۲۵/۷	۳۱/۲	۳۵/۱	۸/۰	۶۴۳۴۵۰۱	۲۶/۹	۲۵/۱	۳۹/۵	۸/۵
خراسان شمالی	۸۶۷۷۲۷	۲۷/۰	۳۲/۱	۳۵/۶	۵/۳	۸۶۳۰۹۲	۲۷/۳	۲۶/۲	۳۸/۰	۸/۵
خوزستان	۴۵۳۱۷۲۰	۲۶/۴	۳۳/۹	۳۳/۶	۶/۴	۴۷۱۰۵۰۹	۲۷/۳	۲۷/۱	۳۸/۵	۷/۰
سیستان و بلوچستان	۲۵۳۴۳۲۷	۳۷/۶	۳۲/۲	۲۵/۴	۴/۸	۲۷۷۵۰۱۴	۳۸/۳	۲۸/۴	۲۸/۴	۴/۸
کردستان	۱۴۹۳۶۴۵	۲۳/۲	۳۲/۹	۳۵/۷	۸/۲	۱۶۰۳۰۱۱	۲۳/۹	۲۶/۵	۴۰/۳	۹/۳
کرمانشاه	۱۹۴۵۲۲۷	۲۱/۳	۳۳/۴	۳۶/۸	۸/۶	۱۹۵۲۴۳۴	۲۱/۸	۲۶/۱	۴۲/۱	۱۰/۰
گلستان	۱۷۷۷۰۱۴	۲۵/۳	۳۱/۹	۳۵/۹	۶/۹	۱۸۶۸۸۱۹	۲۶/۸	۲۵/۳	۴۰/۱	۷/۸
گیلان	۲۴۸۰۸۷۴	۱۸/۶	۲۸/۰	۴۱/۸	۱۱/۶	۲۵۳۰۶۹۶	۱۷/۸	۲۲/۸	۴۶/۲	۱۳/۲

۱۰/۸	۴۰/۹	۲۰/۴	۱۶/۶	۳۲۸۳۵۸۲	۹/۹	۴۰/۵	۳۰/۰	۱۹/۶	۳۰۷۳۹۴۳	مازندران
۶/۰	۳۶/۱	۲۸/۰	۲۹/۸	۱۷۷۶۴۱۵	۵/۷	۳۱/۴	۳۳/۹	۲۹/۰	۱۵۷۸۱۸۳	هرمزگان
--	--	--	--	۳۸۷۵۵۸۲۰	--	--	--	--	۳۶۵۸۳۸۲۸	جمع

منبع: پردازش براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵.

روند تحولات حجم و نسبت مهاجرت‌های داخلی

در جدول ۲، نسبت مهاجران داخلی وارد شده به استان‌های مرزی به کل جمعیت استان‌ها طی چهار سرشماری محاسبه و گزارش شده است. نسبت تعداد مهاجران وارد شده به کل جمعیت در میان‌دوره به صورت سالانه طی دوره مطالعه برای استان‌های مرزی کشور نشان می‌دهد که در دوره ۸۵-۱۳۷۵، بیشترین نسبت برای استان‌های بوشهر، خراسان جنوبی، گیلان و گلستان، و کمترین آن برای استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی، کرمانشاه و خوزستان بوده است. در دوره ۹۰-۱۳۸۵، بیشترین نسبت برای استان‌های خراسان جنوبی، بوشهر، خراسان شمالی و گیلان، و کمترین نسبت برای استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان شرقی و اردبیل بوده است. در دوره ۹۵-۱۳۹۰، بیشترین نسبت برای استان‌های خراسان جنوبی، بوشهر، کردستان و هرمزگان، و کمترین نسبت برای استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی بوده است. طبق نتایج، سطح و روند نسبت مهاجر به جمعیت طی دوره‌های ۹۵-۱۳۷۵ در همه استان‌ها روند کاهشی داشته است.

جدول شماره ۲: نسبت مهاجران داخلی وارد شده به استان‌های مرزی به کل جمعیت استان‌ها

طی دوره ۹۵-۱۳۷۵

استان	۱۳۷۵-۱۳۸۵		۱۳۸۵-۱۳۹۰		۱۳۹۰-۱۳۹۵	
	تعداد مهاجران	جمعیت میان دوره	تعداد مهاجران	جمعیت میان دوره	تعداد مهاجران	جمعیت میان دوره
آذربایجان شرقی	۴۴۹۶۵۸	۳۴۶۴۴۹۸	۱۹۴۸۵۱	۳۶۶۴۰۳۸	۱۵۴۲۷۸	۳۸۱۷۱۳۶
آذربایجان غربی	۴۴۵۲۸۳	۲۶۸۴۸۹۰	۱۶۵۱۸۶	۲۹۷۷۰۱۸	۱۲۵۷۹۱	۳۱۷۲۸۹۸
اردبیل	۱۹۹۵۲۹	۱۱۹۸۰۸۳	۶۶۸۸۵	۱۲۳۸۳۲۲	۵۶۱۴۱	۱۲۵۹۴۵۴

ایلام	۵۱۶۸۳۷	۹۷۱۷۴	۱۸/۸	۵۵۱۶۹۳	۳۹۷۲۶	۱۴/۴	۵۶۸۸۷۹	۲۹۱۸۴	۱۰/۳
بوشهر	۸۱۴۹۷۱	۱۹۴۰۶۷	۲۳/۸	۹۵۹۶۰۸	۱۰۹۶۲۱	۲۲/۸	۱۰۹۸۱۷۵	۸۷۳۳۱	۱۵/۹
خراسان جنوبی	۵۸۱۳۴۵	۱۳۴۴۱۵	۲۳/۱	۶۴۹۴۷۷	۸۰۱۳۰	۲۴/۷	۷۱۵۷۱۶	۶۲۳۶۵	۱۷/۴
خراسان رضوی	۵۱۵۶۴۹۱	۹۰۳۴۴۰	۱۷/۵	۵۷۹۳۷۴۱	۳۷۸۱۴۰	۱۳/۱	۶۲۱۴۴۵۲	۳۱۴۸۵۹	۱۰/۱
خراسان شمالی	۷۷۶۷۱۵	۱۳۴۵۶۸	۱۷/۳	۸۳۹۶۵۰	۷۶۷۲۳	۱۸/۳	۸۶۵۴۱۰	۴۹۴۹۹	۱۱/۴
خوزستان	۴۰۱۰۸۷۶	۵۸۲۰۴۱	۱۴/۵	۴۴۰۳۳۵۰	۲۲۳۳۹۲	۱۰/۱	۴۶۲۱۱۱۵	۱۶۱۷۱۵	۷/۰
سیستان و بلوچستان	۲۰۶۴۱۶۱	۲۵۳۷۴۸	۱۲/۳	۲۴۷۰۰۳۵	۹۰۲۴۰	۷/۳	۲۶۵۴۶۷۱	۸۲۷۸۳	۶/۲
کردستان	۱۳۹۳۲۷۰	۲۵۸۶۶۹	۱۸/۶	۱۴۶۶۹۰۱	۱۲۵۵۴۷	۱۷/۱	۱۵۴۸۳۲۸	۱۱۲۷۵۱	۱۴/۶
کرمانشاه	۱۸۲۸۹۹۱	۲۵۹۳۵۵	۱۴/۲	۱۹۱۲۳۰۶	۱۰۶۵۹۶	۱۱/۱	۱۹۴۸۸۳۱	۹۴۶۸۸	۹/۷
گلستان	۱۵۲۱۶۸۸	۲۹۸۴۱۹	۱۹/۶	۱۶۹۷۰۵۱	۱۴۳۷۷۶	۱۶/۹	۱۸۲۲۹۱۷	۸۹۲۵۲	۹/۸
گیلان	۲۳۲۳۳۷۹	۴۸۳۳۷۹	۲۰/۸	۲۴۴۲۸۶۸	۲۱۶۶۰۰	۱۷/۷	۲۵۰۵۷۸۵	۱۵۷۸۸۴	۱۲/۶
مازندران	۳۴۷۵۳۶۴	۵۰۹۸۳۴	۱۴/۷	۲۹۹۸۱۸۸	۲۲۱۶۵۴	۱۴/۸	۳۱۷۸۷۶۳	۱۴۸۲۶۹	۱۳/۶
هرمزگان	۱۲۳۲۹۱۵	۲۲۷۱۷۴	۱۸/۴	۱۴۹۰۹۲۹	۱۱۰۰۵۲	۱۴/۸	۱۶۷۷۲۹۹	۱۱۶۳۳۸	۱۳/۹
جمع	---	۵۴۳۰۷۵۳	---	---	۲۳۴۹۱۱۹	---	---	۱۸۴۳۱۲۸	---

منبع: پردازش براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۹۵-۱۳۷۵.

* روش محاسبه: تعداد مهاجران تقسیم بر کل جمعیت میان‌دوره، ضربدر ۱۰۰۰، نتیجه بر طول دوره سرشماری تقسیم شده است تا نسبت مهاجر به جمعیت به صورت سالانه به دست بیاید.

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۳، در دوره ۸۵-۱۳۷۵ از ۱۶ استان مرزی کشور، ۱۰ استان مهاجرفرست و ۵ استان مهاجرپذیر، و استان هرمزگان بی‌تأثیر در جریان‌ات مهاجرتی بوده است. براساس حجم مهاجرتی، استان‌های آذربایجان شرقی، خوزستان، کرمانشاه، کردستان و سیستان و بلوچستان قطب‌های اصلی مهاجرفرستی، و در مقابل استان‌های بوشهر، خراسان رضوی، گیلان، مازندران و گلستان قطب‌های اصلی مهاجرپذیری در بین استان‌های مرزی بوده‌اند. در این دوره، استان‌های مهاجرپذیر مرزی عبارت از بوشهر، خراسان رضوی، گیلان، مازندران و گلستان بوده‌اند. در این دوره بیشترین میزان مهاجرپذیری از آن استان‌های بوشهر، خراسان جنوبی و گیلان، و کمترین میزان مهاجرپذیری متعلق به استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان و کرمانشاه بوده است. در سوی دیگر، بیشترین میزان مهاجرفرستی متعلق به استان‌های اردبیل،

خراسان جنوبی و کرمانشاه، و کمترین آن متعلق به استان‌های خراسان رضوی، مازندران، آذربایجان غربی و گلستان بوده است.

در دوره ۹۰-۱۳۸۵، هفت استان مرزی مهاجرفرست، شش استان مهاجرپذیر و سه استان بی تأثیر در جریان مهاجرت بوده‌اند. براساس حجم مهاجرتی، استان‌های خوزستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و اردبیل قطب‌های اصلی مهاجرفرستی، و در مقابل استان‌های بوشهر و خراسان جنوبی قطب‌های اصلی مهاجرپذیری در بین استان‌های مرزی بوده‌اند. استان‌های مهاجرفرست مرزی در این دوره، عبارت از استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه و کردستان بوده‌اند. در این دوره بیشترین میزان مهاجرپذیری از آن استان‌های بوشهر، خراسان جنوبی و گیلان، و کمترین آن به استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و خوزستان تعلق داشته است. همچنین، بیشترین میزان مهاجرفرستی به استان‌های کرمانشاه، اردبیل و ایلام، و کمترین آن به استان‌های آذربایجان غربی، گلستان و مازندران تعلق داشته است. جریان مهاجرت در سه استان آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و خراسان شمالی نیز بی تأثیر بوده است.

در دوره ۹۵-۱۳۹۰، یازده استان مرزی مهاجرفرست و چهار استان (بوشهر، خراسان رضوی، گیلان و هرمزگان) مهاجرپذیر بوده‌اند. براساس حجم مهاجرتی، استان‌های ایلام، خراسان شمالی، خوزستان و کرمانشاه قطب‌های اصلی مهاجرفرستی، و در مقابل استان‌های بوشهر، مازندران و هرمزگان قطب‌های اصلی مهاجرپذیری در بین استان‌های مرزی بوده‌اند. استان‌های مهاجرفرست مرزی در این دوره شامل استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه و گلستان بوده‌اند. در این دوره، بیشترین میزان مهاجرپذیری به استان‌های بوشهر، خراسان جنوبی و هرمزگان، و کمترین آن به استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، خوزستان و سیستان و بلوچستان تعلق داشته است. همچنین، بیشترین میزان مهاجرفرستی از آن استان‌های خراسان جنوبی، خراسان شمالی، ایلام و کرمانشاه، و کمترین میزان متعلق به استان‌های آذربایجان غربی و خراسان رضوی بوده است.

طبق نتایج مندرج در جدول شماره ۳ و به‌عنوان یک یافته مهم، طی دوره ۲۰ ساله ۹۵-۱۳۷۵ استان‌های اردبیل، ایلام، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان و کرمانشاه همواره استان‌هایی مهاجرفرست، و در مقابل استان‌های بوشهر و مازندران مهاجرپذیر بوده‌اند. مابقی استان‌ها به‌صورت متناوب در دوره‌ای مهاجرپذیر و در دوره‌ای مهاجرفرست بوده‌اند.

جدول شماره‌ی ۳: میزان‌های مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان‌های مرزی کشور طی دوره ۹۵-۱۳۷۵

استان	۱۳۸۵-۱۳۷۵				۱۳۹۰-۱۳۸۵				۱۳۹۵-۱۳۹۰			
	مهاجران واردشده از استان‌های دیگر	مهاجران خارج شده به استان‌های دیگر (در هزار)	میزان مهاجرپذیری سالانه (در هزار)	میزان مهاجرفرستی سالانه (در هزار)	مهاجران واردشده از استان‌های دیگر	مهاجران خارج شده به استان‌های دیگر (در هزار)	میزان مهاجرپذیری سالانه (در هزار)	میزان مهاجرفرستی سالانه (در هزار)	مهاجران واردشده از استان‌های دیگر	مهاجران خارج شده به استان‌های دیگر (در هزار)	میزان مهاجرپذیری سالانه (در هزار)	میزان مهاجرفرستی سالانه (در هزار)
آذربایجان شرقی	۱۵۸۴۲۴	۳۰۲۱۵۶	۹	۵	۶۵۰۷۹	۷۲۵۰۹	۴	۴	۴۸۹۰۸	۶۷۹۶۸	۴	۲
آذربایجان غربی	۱۲۱۶۲۱	۱۴۸۴۴۰	۶	۵	۳۸۲۷۶	۵۲۲۶۶	۴	۳	۳۴۸۰۹	۴۸۳۰۹	۳	۲
اردبیل	۷۹۳۲۹	۱۳۴۷۲۸	۱۱	۷	۲۶۳۹۱	۴۰۲۷۵	۷	۴	۲۴۳۸۴	۴۴۶۲۵	۷	۴
ایلام	۳۷۲۸۱	۴۸۳۳۴	۹	۷	۱۵۹۶۲	۱۸۷۰۰	۷	۶	۱۱۷۹۵	۲۳۰۶۶	۸	۴
بوشهر	۹۱۵۹۶	۷۶۰۱۴	۹	۱۱	۵۲۲۵۳	۲۷۶۶۱	۶	۱۱	۴۳۷۰۵	۳۰۸۸۵	۶	۸
خراسان جنوبی	۵۳۴۸۶	۶۵۴۸۹	۱۱	۹	۳۱۳۶۴	۱۷۷۰۲	۵	۱۰	۲۸۷۸۷	۳۱۲۶۰	۹	۸
خراسان رضوی	۳۱۰۳۴۶	۲۷۷۶۹۰	۵	۶	۱۱۰۳۶۶	۱۱۶۱۱۷	۴	۴	۱۱۲۰۲۷	۱۰۷۷۸۶	۳	۴
خراسان شمالی	۵۱۴۸۱	۷۶۸۶۸	۱۰	۷	۳۰۰۶۸	۳۰۵۹۷	۷	۷	۲۱۵۴۸	۳۷۰۱۱	۹	۵
خوزستان	۱۷۰۴۵۲	۲۷۸۶۶۱	۷	۴	۶۱۰۹۲	۱۱۵۶۳۲	۵	۳	۵۳۶۳۲	۱۳۵۴۹۱	۶	۲
سیستان و بلوچستان	۶۶۷۹۴	۱۳۸۱۱۹	۷	۳	۲۷۲۶۷	۶۱۰۱۰	۵	۲	۲۷۳۰۱	۵۹۶۲۷	۴	۲
کردستان	۷۱۴۹۷	۱۳۰۳۷۹	۹	۵	۳۷۰۵۳	۴۷۴۴۰	۶	۵	۳۷۷۸۹	۴۹۶۱۸	۶	۵
کرمانشاه	۸۰۸۱۵	۱۹۹۹۵۳	۱۱	۴	۳۹۲۶۲	۷۷۹۵۰	۸	۴	۴۲۶۲۵	۷۷۵۵۳	۸	۴
گلستان	۱۲۵۷۴۴	۹۷۶۱۱	۶	۸	۵۱۳۰۸	۳۷۵۸۶	۴	۶	۳۳۶۹۹	۵۱۸۴۸	۶	۴
گیلان	۲۰۲۳۸۷	۱۷۷۷۰۶	۸	۹	۸۶۷۰۵	۵۶۷۰۲	۵	۷	۷۴۸۹۱	۶۱۵۵۵	۵	۶
مازندران	۱۹۸۵۲۰	۱۶۳۰۷۸	۵	۶	۷۹۶۱۱	۵۴۲۳۲	۴	۵	۶۹۷۱۴	۵۹۰۶۳	۴	۴
هرمزگان	۱۰۴۴۹۲	۱۰۴۷۳۳	۸	۸	۵۲۰۸۵	۴۳۸۳۱	۶	۷	۶۵۵۹۹	۴۷۵۵۲	۶	۸

منبع: پردازش براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۹۵-۱۳۷۵.

با توجه به جریان تبادلاتی استان‌های مرزی در زمینه مهاجرت (مهاجرپذیری و مهاجرفرستی)، برای انجام دقیق تحلیل تطبیقی از شاخص دیگری با عنوان «نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی» استفاده شده است. در این شاخص، نسبت ۱ به معنای برابری حجم مهاجرپذیری و مهاجرفرستی، نسبت بیشتر از ۱ به معنای بیشتر بودن حجم مهاجرپذیری و نسبت کمتر از ۱ به معنای بیشتر بودن حجم مهاجرفرستی است. فاصله و تفاوت از رقم ۱ در حقیقت شدت میزان مهاجرپذیری یا مهاجرفرستی را نشان می‌دهد. این شاخص و سایر شاخص‌های مهاجرتی منتخب برای استان‌های مرزی در طول دوره ۹۵-۱۳۷۵ محاسبه و در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۴، در دوره ۸۵-۱۳۷۵ به ترتیب استان‌های گلستان، بوشهر و مازندران بیشترین، و در مقابل استان‌های کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و آذربایجان شرقی کمترین مقدار نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی را داشته‌اند. به عبارت دیگر، سه استان اول مهاجرپذیرترین، و سه استان اخیر مهاجرفرست‌ترین استان‌های مرزی در آن دوره بوده‌اند.

در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ترتیب استان‌های بوشهر، خراسان جنوبی، مازندران و گیلان بیشترین، و در مقابل استان‌های خوزستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و اردبیل کمترین مقدار نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی را داشته‌اند. بدین ترتیب، چهار استان اول مهاجرپذیرترین، و چهار استان اخیر مهاجرفرست‌ترین استان‌های مرزی در آن دوره بوده‌اند.

در نهایت، در دوره ۹۵-۱۳۹۰ بیشترین رقم نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی به ترتیب از آن استان‌های بوشهر، هرمزگان، مازندران و گیلان، و کمترین رقم متعلق به استان‌های خوزستان، اردبیل، ایلام، سیستان و بلوچستان و گلستان بوده است. به عبارت دیگر، چهار استان اول مهاجرپذیرترین، و پنج استان اخیر مهاجرفرست‌ترین استان‌های مرزی در دوره ۹۵-۱۳۹۰ بوده‌اند.

جدول شماره‌ی ۴: شاخص‌های مهاجرتی منتخب برای استان‌های مرزی کشور طی دوره ۹۵-۱۳۷۵

استان	۱۳۷۵-۱۳۸۵			۱۳۸۵-۱۳۹۰			۱۳۹۰-۱۳۹۵		
	نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی	میزان کل مهاجرت سالانه (در هزار)	میزان خالص مهاجرت سالانه (در هزار)	نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی	میزان کل مهاجرت سالانه (در هزار)	میزان خالص مهاجرت سالانه (در هزار)	نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی	میزان کل مهاجرت سالانه (در هزار)	میزان خالص مهاجرت سالانه (در هزار)
آذربایجان شرقی	۰/۵	۶/۶	-۲/۱	۰/۹	۷/۵	-۳۸۱۲	۰/۷	۴/۵	-۰/۷
آذربایجان غربی	۰/۸	۵/۰	-۰/۵	۰/۷	۶/۱	-۲۷۰۰	۰/۷	۴/۱	-۰/۷
اردبیل	۰/۶	۸/۹	-۲/۳	۰/۷	۱۰/۸	-۴۰۴۸	۰/۵	۷/۷	-۲/۳
ایلام	۰/۸	۸/۳	-۱/۱	۰/۹	۱۲/۶	-۲۲۵۴	۰/۵	۹/۰	-۲/۹
بوشهر	۱/۲	۱۰/۳	۱/۰	۱/۹	۱۶/۷	۲۵۴۴	۱/۴	۱۲/۲	۲/۱
خراسان جنوبی	۰/۸	۱۰/۲	-۱/۰	۱/۸	۱۵/۱	-۴۹۵	۰/۹	۱۳/۸	-۰/۶
خراسان رضوی	۱/۱	۵/۷	۰/۳	۱/۰	۷/۸	۸۴۸	۱/۰	۵/۷	۰/۱
خراسان شمالی	۰/۷	۸/۳	-۱/۶	۱/۰	۱۴/۵	-۳۰۹۳	۰/۶	۱۰/۱	-۲/۷
خوزستان	۰/۶	۵/۶	-۱/۳	۰/۵	۸/۰	-۱۶۳۷۲	۰/۴	۶/۳	-۲/۷
سیستان و بلوچستان	۰/۵	۵/۰	-۱/۷	۰/۴	۷/۱	-۶۴۶۵	۰/۵	۵/۶	-۲/۱
کردستان	۰/۵	۷/۵	-۲/۱	۰/۸	۱۱/۵	-۲۳۶۶	۰/۸	۸/۴	-۱/۱
کرمانشاه	۰/۴	۷/۷	-۳/۳	۰/۵	۱۲/۳	-۶۹۸۶	۰/۵	۸/۸	-۲/۵
گلستان	۱/۳	۷/۳	۰/۹	۱/۴	۱۰/۵	-۳۶۳۰	۰/۶	۷/۵	-۱/۶
گیلان	۱/۱	۸/۲	۰/۵	۱/۵	۱۱/۷	۲۶۶۷	۱/۲	۷/۸	۰/۸
مازندران	۱/۲	۵/۲	۰/۵	۱/۷	۸/۹	۲۱۳۰	۱/۲	۴/۹	۰/۴
هرمزگان	۱/۰	۸/۵	۰/۰	۱/۱	۱۲/۹	۳۶۰۹	۱/۴	۱۲/۲	۲/۰

منبع: پردازش براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۹۵-۱۳۷۵.

الگوهای مهاجرت‌های داخلی

در جدول ۵، درصد مهاجرت‌های درون‌استانی و برون‌استانی طی دوره مورد مطالعه برای هر کدام از استان‌های مرزی محاسبه و گزارش شده است. نتایج مندرج در جدول نشان می‌دهد که در دوره ۸۵-۱۳۷۵ بیشترین درصد مهاجرت‌های درون‌استانی مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان و خوزستان، و کمترین درصد مربوط به استان‌های بوشهر و هرمزگان بوده است.

در دوره ۹۰-۱۳۸۵ بیشترین درصد مهاجرت‌های درون‌استانی در استان‌های آذربایجان غربی، خوزستان، خراسان رضوی، کردستان و سیستان و بلوچستان، و کمترین آن در استان‌های بوشهر و هرمزگان صورت گرفته است. این در حالی است که در این دو استان (بوشهر و هرمزگان)، مهاجرت‌های برون‌استانی بیشتر از مهاجرت‌های درون‌استانی بوده است.

طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ هم، بیشترین درصد مهاجرت‌های درون‌استانی در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، خوزستان و کردستان، و کمترین درصد در استان‌های هرمزگان، گیلان، مازندران و خراسان جنوبی صورت گرفته است.

نکته دیگر این‌که، طی دوره ۹۵-۱۳۷۵ نسبت مهاجرت درون‌استانی، برای استان آذربایجان شرقی روند افزایشی، و برای استان‌های ایلام، بوشهر، کردستان، کرمانشاه و هرمزگان روند کاهشی داشته است.

از یافته‌های دیگر مندرج در جدول ۵ آن است که طی دوره‌های ۹۵-۱۳۷۵، استان‌های مرزی بوشهر، گیلان و هرمزگان بالاترین درصد مهاجرت‌های برون‌استانی را داشته‌اند. طی این دوره مهاجرت برون‌استانی در استان‌های خراسان شمالی، کردستان، کرمانشاه و هرمزگان روندی افزایشی، و در استان آذربایجان شرقی روند کاهشی داشته است. روند مهاجرت‌های برون‌استانی در دوره ۹۵-۱۳۹۰ نسبت به دوره ۸۵-۱۳۷۵ برای همه استان‌ها بجز آذربایجان شرقی و گلستان افزایش داشته است. و نهایتاً این‌که، روند کاهشی مهاجرت‌های درون‌استانی و افزایش مهاجرت‌های برون‌استانی طی دوره‌های ۹۵-۱۳۷۵ در اکثر استان‌های مرزی کشور مشاهده شده است.

جدول شماره ۵: درصد مهاجرت‌های درون‌استانی و بین‌استانی طی دوره ۹۵-۱۳۷۵ و رتبه‌بندی براساس دوره ۹۵-۱۳۹۰

نام استان و نوع مهاجرت	درون استانی			نام استان و نوع مهاجرت	بین‌استانی (وارد شده از استان‌های دیگر به هر استان)		
	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰	۱۳۹۰-۹۵		۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰	۱۳۹۰-۹۵
آذربایجان غربی	۷۲/۷	۷۶/۸	۷۲/۱	هرمزگان	۴۶/۰	۴۷/۳	۵۷/۹
آذربایجان شرقی	۶۴/۸	۶۶/۶	۶۸/۰	بوشهر	۴۷/۲	۴۷/۷	۵۳/۲
خوزستان	۷۰/۷	۷۲/۷	۶۶/۳	اردبیل	۳۹/۸	۳۹/۵	۴۳/۷
کردستان	۷۲/۴	۷۰/۵	۶۶/۲	گیلان	۴۱/۹	۴۰/۰	۴۷/۷
سیستان و بلوچستان	۷۳/۷	۶۹/۸	۶۵/۹	مازندران	۳۸/۹	۳۵/۹	۴۷/۴
خراسان رضوی	۶۵/۶	۷۰/۸	۶۳/۴	خراسان جنوبی	۳۹/۸	۳۹/۱	۴۶/۲
گلستان	۵۷/۹	۶۴/۳	۶۲/۰	کرمانشاه	۳۱/۲	۳۶/۸	۴۵/۳
ایلام	۶۱/۶	۵۹/۸	۵۹/۴	خراسان شمالی	۳۸/۳	۳۹/۲	۴۳/۷
خراسان شمالی	۶۱/۷	۶۰/۸	۵۶/۳	ایلام	۳۸/۴	۴۰/۲	۴۰/۶
اردبیل	۶۰/۲	۶۰/۵	۵۶/۳	گلستان	۴۲/۱	۳۵/۷	۳۸/۰
کرمانشاه	۶۸/۸	۶۳/۲	۵۴/۷	خراسان رضوی	۳۴/۴	۲۹/۲	۳۶/۶
خراسان جنوبی	۶۰/۲	۶۰/۹	۵۳/۸	سیستان و بلوچستان	۲۶/۳	۳۰/۲	۳۴/۱
مازندران	۶۱/۱	۶۴/۱	۵۲/۶	کردستان	۲۷/۶	۲۹/۵	۳۳/۸
گیلان	۵۸/۱	۶۰/۰	۵۲/۳	خوزستان	۲۹/۳	۲۷/۳	۳۳/۷
بوشهر	۵۲/۸	۵۲/۳	۴۶/۸	آذربایجان شرقی	۳۵/۲	۳۳/۴	۳۲/۰
هرمزگان	۵۴/۰	۵۲/۷	۴۲/۱	آذربایجان غربی	۲۷/۳	۲۳/۲	۲۷/۹

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۹۵-۱۳۷۵.

خلاصه و نتیجه‌گیری

یکی از اشکال پویایی‌شناسی مهاجرت در ایران، مهاجرت بین‌استانی است که در قالب آن در سطح کشور، اکثر استان‌ها به خصوص استان‌های مرزی به‌عنوان مهاجرفرست و برخی نیز به‌عنوان مهاجرپذیر مانند استان‌های مرکزی کشور، جریان مهاجرتی ایران را ایجاد کرده‌اند. این جریان مهاجرتی که متأثر از استراتژی‌ها و سیاستگذاری‌های دولت

(از قبیل تبدیل نواحی مختلف کشور به نقاط مرکز - پیرامون، تمرکز و انباشت سرمایه‌گذاری در مناطق مرکزی و کاهش سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی، و به‌طور کلی در حاشیه‌بودگی مناطق مرزی به لحاظ شاخص‌های توسعه) در استان‌ها بوده و نقش زیادی در شکل‌گیری بازتوزیع فضایی جمعیت در ایران دارد. هم‌چنین، در تحلیل مهاجرت‌های بین‌استانی در ایران باید که به تحلیلی در سطح کلان و به‌ویژه در ارتباط با درجه توسعه‌یافتگی استان‌ها و میزان برخورداری آنها از منابع، امکانات و سرمایه‌گذاری‌ها پرداخت. نابرابری استان‌های کشور از نظر سطح توسعه‌یافتگی بر جریان مهاجرتی بین‌استانی و الگوهای آن تأثیرگذار بوده است. به‌عبارتی نوعی همبستگی بین سطح توسعه و مهاجرت بین‌استانی به‌سمت استان توسعه یافته‌تر وجود دارد.

با توجه به ساختار سنی استان‌های مرزی و تسلط میان‌سالان بر جریانات مهاجرتی و ظهور پدیده پنجره جمعیتی (افزایش نسبت جمعیت در سنین فعالیت)، و کمبود فرصت‌های شغلی در این استان‌ها، انتظار می‌رود که جریان مهاجرت‌های داخلی به‌ویژه مهاجرت‌های بین‌استانی همچنان در حال افزایش باشد و این نوع مهاجرت (مهاجرت بین‌استانی) در آینده نقش مهمی را در پویایی مهاجرت داخلی در ایران ایفاء کند. با توجه به این‌که اغلب مهاجرت‌ها در سنین جوانی و فعالیت صورت می‌گیرد، به‌نظر می‌رسد همین روند همچنان ثابت بماند. بنابراین مهاجرت محدود به مرحله خاصی از زندگی است و تمایل به مهاجرت در بین جوانان که تازه وارد نیروی کار شده و یا ازدواج کرده‌اند بیشتر است.

هم‌چنین با توجه به آن‌که نیمی از جمعیت کشور در استان‌های مرزی ساکن هستند و اکثریت جمعیت این استان‌ها در سن کار و فعالیت قرار گرفته‌اند، و نظر به شرایط و دلایل محدودکننده‌ای مانند سطح پایین توسعه‌یافتگی استان‌های مرزی، کمبود امکانات آموزشی و بهداشتی مثل دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی با کیفیت در اکثر آن استان‌ها، نرخ بالای بیکاری به خاطر عدم وجود کارخانجات و مراکز صنعتی که بتواند بخشی از نیروی کار را در خود جذب کند، اشتغال پایین مردم در بخش خدمات و به خصوص کشاورزی که جوابگوی مردم این استان‌ها نیست، جوانان و میانسالان استان‌های مرزی مهاجرت را بر ماندن در محل زندگی خود ترجیح داده و اقدام به مهاجرت می‌کنند و همین مسأله سبب شده است تا نیمی از مهاجران کشور مربوط به این استان‌ها باشد.

ذکر این نکته هم لازم است که در بین استان‌های مرزی، استان‌های شمالی گیلان و

مازندران به دلیل طبیعت زیبا و شرایط آب و هوایی مناسب، و استان‌های جنوبی بوشهر و هرمزگان به دلیل وجود پالایشگاه‌های نفت و گاز و وفور فرصت‌های شغلی از استان‌های مهاجرپذیر و قطب‌های جاذبه مهاجرتی کشور در بین استان‌های مرزی محسوب می‌شوند.

نتایج این مطالعه، سیاستگذاری‌های مبرم مدیریت مهاجرت و بازتوزیع جمعیت همچون اقدامات مداخله‌ای دولت و سایر کارگزاران توسعه در زمینه تبعیض‌های مثبت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تفریحی و گردشگری در استان‌های محروم و توسعه‌نیافته مرزی کشور را حیاتی قلمداد می‌کند. بنابراین، ارتقای سطح توسعه، بهینه‌سازی تراکم و توزیع جمعیت، و بهبود میزان‌های اشتغال در این مناطق نه تنها زمینه‌ساز امنیت پایدار و ماندگاری جمعیت خواهد شد بلکه قدرت بازدارندگی مرزهای زمینی و دریایی کشور را افزایش خواهد داد. الگوهای توسعه ملی و امنیتی باید رویکرد مرزگرایی و پیرامون‌گرایی را جایگزین مرکزی‌گرایی و مرزگریزی کنند. در این شرایط نه تنها کشور به یک موازنه جمعیتی و اقتصادی در سطح ملی می‌رسد، بلکه بسیاری از مشکلات امنیتی مناطق غیرمرزی هم به تدریج حل خواهد شد.

در پایان جهت مدیریت و بهبود ساختار جمعیتی و کاهش مهاجرت از مناطق مرزی پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

- ۱- تأکید بر اشتغال پایدار در مناطق مرزی از طریق: ایجاد برنامه‌های خوداشتغالی، اعطای تسهیلات با بهره کم، و آموزش اشتغال زودبازده.
- ۲- بهبود همکاری‌ها و تعاملات اقتصادی با همسایگان و ایجاد صنایع و بازارهای مشترک مرزی جهت بهبود فرصت‌های شغلی.
- ۳- ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی از جمله سطح سواد، امید زندگی و درآمد سرانه.
- ۴- ارتقاء شاخص‌های رفاه در مناطق مرزی و متوازن کردن آن با سطح رفاه در سطح ملی.
- ۵- ایجاد تسهیلات برای مهاجرت بازگشتی نخبگان بومی به مناطق مرزی و ...
- ۶- حل مشکلات اقلیمی و اکولوژیکی مناطق مرزی از جمله کنترل ریزگردها، طوفان‌های شنی، کمبود آب و ... جهت کاهش دافعه‌های ناشی از بدی اقلیم.

منابع

- امانی، مهدی؛ زنجانی، حبیب‌الله؛ بهنام، جمشید؛ معزی، اسدالله (۱۳۵۴)؛ *لغت‌نامه جمعیت‌شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیک‌محمدی، حسن؛ حاتمی، مجتبی (۱۳۸۹)؛ «تحلیل جغرافیایی روند مهاجرت در استان آذربایجان شرقی»، *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، س ۳، ش ۱۰، صص ۴۲-۲۳.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷)؛ *مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه*، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی‌فرد، تهران: انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۱)؛ *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۱)؛ *جمعیت و شهرنشینی در ایران*، جلد اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ----- (۱۳۸۰)؛ *مهاجرت*، تهران: انتشارات سمت.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۷۹)؛ *تحلیل و کاربرد جمعیت‌شناسی*، تهران: انتشارات اشراقی.
- صفائی‌پور، مسعود (۱۳۸۸)؛ «تحلیلی جغرافیایی بر روند مهاجرت در استان خوزستان طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۵»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، س ۳، ش ۴، صص ۱۷۴-۱۴۵.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹)؛ «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا - شهری: جهت‌گیری‌ها و مباحث جدید»، *مجله روستا و توسعه*، دوره ۴، ش ۳ و ۴، صص ۲۸-۱.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۱)؛ «بررسی اجتماعی و جمعیت‌شناختی مناسبات هویت و مهاجرت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۳، ش ۲ (پیاپی ۵۰)، صص ۹۶-۷۳.
- فلاحی، کیومرث (۱۳۹۴)؛ «بررسی رابطه تعلق خانوادگی، هویت ملی و پایبندی به ارزش‌ها با میزان مهاجرت دانش‌آموزان المپیادی به خارج از کشور»، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، دوره ۱۲، ش ۲۹، صص ۹۳-۱۱۰.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸)؛ *مبانی جمعیت‌شناسی*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- لوکاس، دیوید؛ میر، پاول (۱۳۸۱)؛ *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۴)؛ *زبان و مهاجرت (پیامدهای زبانی مهاجرت ایرانیان به آمریکا)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)؛ *مطالعه مهاجرت‌های استانی (۷۵-۱۳۶۵) براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵*، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶)؛ *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۷۵*، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)؛ *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۸۵*، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)؛ *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۹۰*، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶): نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۹۵، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.
- مشفق، محمود؛ حسینی، قربان (۱۳۹۱): «تحلیلی بر جمعیت‌شناختی مناطق مرزی و اثرات آن بر امنیت پایدار»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت: چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۱۴۰-۱۱۵۳.
- Bilsborrow, R. E. (1996); *Migration, Urbanization, and Development: New Directions and Issues*, New York, United Nations Population Fund, Norwell, Mass., USA, Great Britain, Kluwer Academic Publishers.
- Castles, S. and M. Miller (2003); *The Age of Migration*, 3rd edition, MacMillan, London.
- Charney, H. (1993); Migration and Public Sector: A Survey, Alberta. *Regional Study*, 27(4): PP 313-326.
- Lee, E. S. (1966); A Theory of Migration, *Demography*, Vol. 3, No. 1, PP 47-57.
- Todaro, P. M. (1976); *Internal Migration in Developing Countries*, Geneva: International Labor Office.
- Zelinsky, W, (1971); "The Hypothesis of the Mobility Transition", *Geographical Review*, 61(2), PP 219-249.